

جایگاه فقه در سیاست کیفری ایران

اکرم هاشم زاده^۱، حسین ایزدی^۲

^۱دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
^۲استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) IzadyHamid75@yahoo.com

نویسنده مسئول: IzadyHamid75@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

چکیده

همواره از زمان بعث پیامبروارانه دین اسلام به بشریت تاکید بر ضرورت تحقق همگرایی میان مسلمانان از سوی قرآن و معصومین صورت پذیرفته و از همان صدر اسلام مصلحان در تحقق آن تاکید داشتند. موضوع این پژوهش ژرف نگری در مبانی فقهی همگرایی مسلمانان در جهان اسلام است و با ارزیابی ادله فقهی به دنبال مبانی جهت همگرایی می باشیم. ضرورت تحقیق در بحث همگرایی از آن روست که با تاسف آسیمی متوجه همگرایی بوده و آن اینکه؛ افرادی با توجه به دلایلی که در مقایسه با دلایل همگرایی از استحکام و هویت فقهی بسیار نازل تری برخوردارند بر طبل واگرایی می کوبند. هر چند همگرایی یک مسئله فقهی اصطلاحی و یا فرعی دینی همچون نماز و روزه ... نیست، اما می توان از قرآن و مواردی همچون امر به اعتصام، الفت بین قلب ها، نجات از گرفتاری های اجتماعی را طالب بوده و این مورد تنها دلیل قرآن نیست بلکه ژرف نگری ادعا شده در عنوان مقاله مبتنی بر سیره پیامبر و نامه و نیز خردورزی است.

فرضیه تحقیق این خواسته مهم بوده که هم از دیدگاه معرفتی به دین عمق بخشیده و هم در عمل به دیدگاه «بِاللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» همراهی خدا با همگرایی و اجماع در اندیشه و عمل است معنا بخشد. این فرضیه در مقاله به طور کامل تبیین شده و نوآوری آن نسبت به سایر کارها آن است که با همه تلاش ها و سمنارها، مقاله ای که این جامعیت را داشته و بیان نماید که تا چه میزان این همگرایی تاثیرات علمی و عملی داشته کمتر مشاهده شده و این مقاله در صدد بیان این نقش جامع است و همگرایی را در راستای معرفتی و عملی امری که ضامن بقای نظام ارزشی دینی است می داند. در این پژوهش تنها به نقش علما شیعه در این امر بسنده نشده بلکه از اندیشمندان اهل سنت نیز استفاده شده است.

کلیدواژه: همگرایی، وحدت، مبانی فقهی، جهان اسلام، امت اسلامی، واگرایی

پیشینه

همگرایی هر چند در دو سه قرن اخیر و پس از فروپاشی حکومت عثمانی و حوادث بسیار دردناکی همچون اشغال فلسطین و وقایع سلسله گونه ای همچون شکست های پی در پی مسلمانان در ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ از غرب و اسرائیل غاصب و وقایع دردناکی همچون جنگ های هند و پاکستان، تجزیه بنگلادش از پاکستان و در ادامه اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق و سلطه ی آمریکا بر عراق و افغانستان و وقایع دردآور در سوریه، ترکیه، لیبی، یمن و ... و پیدایش داعش و ... فراوان مورد نظر و محل بحث قرار گرفته و از اوایل انقلاب در ایران تا کنون نیز هر سال هفته ای به این نام، نام گذاری شده که هم از دیدگاه معرفتی و هم از دیدگاه کارکردی پیشینه ای به درازای تاریخ اسلام دارد و اگر نبود این همگرایی و جلوگیری از سوء استفاده ی رقبا، صحابه پیامبر و در رأس آنان علی (ع)، آنان هرگز تحمل حکومت هایی که ادامه حکمرانی آنان به امثال یزید بن معاویه و مروان حمار و نیز والیانی همچون حجاج بن یوسف ثقفی جلاد نسلهایی از مردم بصره و کوفه برسد را نمی کردند. و شاید اگر گفته شود از نظر کاربردی بزرگترین حامیان وحدت چه کسانی بوده اند، در رأس آنان پس از پیامبر، حضرت علی (ع) و عملکرد ۳۵ ساله ایشان پس از وفات پیامبر و از نظر معرفتی همین بس که حضرت با همه سختی ها و تحمیل جنگ های جمل، صفین، نهروان و راجع به بعضی از رقبای جنگ افروز چنین تعبیر فرمودند «هم اخواننا بغو اعلینا» «آنان برادران ما هستند که به ما تجاوز نمودند». از آغاز ایجاد فقه شیعه و آثار گرانقدر فقها و نوشتن آثاری مثل «الخلاف بیننا و بین اخواننا السننه» شیخ طوسی و در ادامه آثاری مثل المختلف علامه حلی و نیز حتی سیره گفتاری معصومان در مسائل که چه بسا حساسیت در رقیب را بر می انگیزد، و سخن مطابق مذاق آنها گفتن که اصطلاح "تقیه" دارد نیز بر این مطلب گواه است.

در زمان مرحوم آیت الله بروجردی و بعد از مکاتبات بین ایشان و مفتی مصر مرحوم شیخ محمد شلتوت که به رسمیت شناخته شدن تشیع به عنوان یک گرایش فقهی مورد قبول، در کنار چهار گرایش مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی با فتوای ایشان بود. به دنبال آن دفتری در مصر تاسیس شد با عنوان

«دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه»، جالب آنکه حدود سه دهه رئيس اين مجمع فردي ايراني به نام مرحوم حاج شيخ محمد تقی قمی بود. در همین راستا مجله بسیار ارزشمند و پر محتوایی با عنوان الرساله بیش از ۷۰ شماره به صورت فصلنامه از آن منتشر شد. (تهوری، بی تا، ۸۶ و ۸۷)

مقدمه

همگرایی از جمله آثار موفقیت آمیز اندیشه و عمل مسلمانان بوده و رهبری در جامعه اسلامی نقش تعیین کننده‌ای در هدایت حرکت‌های مردمی بر عهده دارد. با نگاهی به تاریخ اسلام درمی‌یابیم که پیامبر اسلام (ص) از همان آغاز، درس اتحاد و همبستگی را به یاران خویش می‌داده و لزوم اخوت و برادری به معنای واقعی را برای آنها تبیین می‌کرده‌اند (آقا نوری، ۱۳۸۷، ۳۳). موضوع همگرایی اسلامی در دوره معاصر ابتدا در کشور مصر توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی مطرح گردید، سپس در همان کشور و با عضویت رهبران دینی و مفتی دانشگاه الازهر مصر و نماینده رهبری دینی شیعه (مرحوم آیه الله بروجردی) از ایران، سازمانی به نام «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» تشکیل گردید تا حداقل‌های همگرایی اسلامی را تحقق بخشند. این موضوع، سال‌ها بنا بر سیاست دولت‌های غیر دینی و لائیک در ایران و خاورمیانه، علی‌رغم تلاش علمای آگاه، مسکوت ماند. سپس با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران «مجمع تقرب مذاهب اسلامی» پایه‌گذاری شد تا با برگزاری نشست‌های علمی و کنفرانس‌های بین‌المللی و گفتگو و مفاهمه بین مذاهب کشورهای اسلامی، و حتی داخل ایران، زمینه‌های همگرایی اسلامی را مهیا کند.

حال هویت اجتماعی و جامعه حاصل همگرایی است و اگر به هر دلیلی این همگرایی خدشه‌دار گردد، اتحاد ملی متزلزل می‌شود. برای جلوگیری از این رخداد و تقویت اتحاد ملی، لازم است تا نسبت به مبانی همگرایی حساس بوده و برای آن طرح و برنامه‌ای مد نظر داشته باشیم. همگرایی میان مسلمانان بعنوان امتی واحد همواره از سوی قرآن مبین و رسول اسلام و ائمه معصومین صورت پذیرفته است. امری که به وضوح در سیره نبوی قابل مشاهده است و حیات و سیر زندگی مسلمانان را باید در آن جست و جو کرد. اشاره صریح آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (از عامل ارتباط و پیوستگی ریسمان الهی استفاده کرده و گسیخته و جدا جدا نگردید «آل عمران، ۱۰۳»)، «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (به نزاع و کشمکش اقدام نکنید که نتیجه آن از کار افتادگی و بی‌خاصیتی گروهتان گشته و جایگاه و برتری‌تان از بین خواهد رفت «انفال، ۴۶») وحدت از جمله روح‌بخش‌ترین فرمان‌های الهی است که رایحه آن در مشام هر مسلمانی که دل در گرو دین اسلام دارد، استشمام می‌شود. آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» همانا این شاخص‌ترین نشانه شما "امت" بودنشان است که وحدت (همگرایی) معرف آن می‌باشد (مؤمنون، ۵۲) و آیات دیگر که به مسئله وحدت و همگرایی مسلمانان و یا دوری از تفرقه اشاره کرده است، از یک سو مطلوبیت این امر را نزد خداوند و اولیایش می‌رساند و از سوی دیگر عوامل تاثیرگذار که در همگرایی و واگرایی نقش داشته است را بیان می‌کند، که از طریق آن می‌توان به مبانی فقهی همگرایی مسلمان دست یافت؛ و لازمه حکومت اسلامی است که در تنظیم روابط، مناسبات و خط مشی‌های خود با مردم و حکومت‌های دیگر ضوابطی را مبنای خود قرار دهد. یکی از مباحث مهم و اساسی جهان اسلام در عصر کنونی و بیشتر از گذشته، اتحاد مسلمانان و همگرایی است؛ چرا که در نقطه مقابل این وضعیت، واگرایی؛ دامن زدن به تفرقه و اختلافات فرقه‌ای و مذهبی از نقشه‌های استکبار جهانی برای تضعیف و مهار قدرت اسلام است. در دانش فقه نیز مسأله همگرایی مورد توجه قرار گرفته است. حال در این مقاله تلاش میکنیم با تأمل در ادله فقهی (آیات قرآن و سیره ائمه معصومین، اجماع و عقل) به مبانی فقهی همگرایی مسلمانان دسترسی پیدا کنیم.

تعریف موضوع

همگرایی در یکصد سال اخیر مورد توجه علمای روشنگر اسلام، همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی قرار گرفت به گونه‌ای که در دانشگاه الازهر مصر مرکز همگرایی مذاهب اسلامی به نام «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» تاسیس گردید که در آن حداقل از بین تمام گرایش‌های کلامی، فلسفی، حدیثی، تفسیری و فقهی و... حضور داشتند. یکی از بینانگذاران دارالتقريب، مرحوم علامه محمد تقی قمی بود. ایشان درباره همگرایی می‌گوید: «هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یکدیگر نیست. زیرا اختلاف امری است طبیعی، در این نوع اختلافات زیانی نبوده بلکه باعث توسعه فکری و فراهم آوردن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود» (قمی، ۱۳۹۰، ۳۰۰)

مرحوم شرف‌الدین در راه اثبات لزوم وحدت و همگرایی به ادله‌ای چند استناد جسته است:

- ۱- قاعده احترام مسلم: مرحوم شرف‌الدین با گشودن فصلی تحت عنوان (الشهادتان و حرمة المسلم)، در کتاب الفصول المهمه؛ روایت‌هایی چند از پیامبر و یا امامان ارائه می‌نماید که بر حرمت خون، مال و عرض مسلم دلالت دارند. وی به این روایات به چشم مبنایی فقهی برای وحدت نگاه می‌کند و با رجوع به آنها، ضرورت وحدت بین شیعه و سنی را به اثبات می‌رساند. (شرف‌الدین موسوی، ۱۴۲۳، ۳۱)
- ۲- قاعده تجنب از فساد: مرحوم شرف‌الدین در برخی از بخش‌های کتاب خویش، اختلاف میان شیعه و سنی را از مصادیق فساد در زمین، به شمار می‌آورد. در واقع، دلیل ایشان از دو مقدمه تشکیل یافته است:

مقدمه اول: تفرقه و فساد در زمین امری موجود و غیر قابل انکار است.

مقدمه دوم: فساد در زمین حرام است.

نتیجه دو مقدمه: می‌توان چنین نتیجه گرفت که باید از تفرقه و فساد (واگرایی) دوری گزید.

۳- قاعده وحدت: از کلمات شرف الدین استفاده می‌شود که وی به خود وحدت به چشم قاعده ای فقهی نگاه می‌کرده است. وی در بخشی از کتاب مراجعات، به هنگام اظهار امیدواری برای رسیدن به راهی هموار که در آن اختلاف میان مسلمانان از بین برود و بیدار شوند و به طور جدی به زندگی بنگرند، می‌گوید: «راجعین الی الاصل الدینی المفروض علیهم»، بازگشتگان به اصل دینی واجب گشته به آنان (شرف الدین موسوی، ۱۴۲۳، ۴۹۰). در این عبارت دو واژه وجود دارد که در فقه جای و معنی می‌گیرد. آن دو، یکی واژه اصل و دیگری واژه فرض (واجب) است. می‌توان گفت که شرف الدین، به وحدت به چشم یک اصل (که به معنای قاعده نیز می‌تواند تفسیر شود) نگاه می‌کرده؛ حکمی که از نظر دین، عمل به آن واجب گشته است.

یکی از متفکران عرب به نام دکتر محمد الدسوقی مفهوم همگرایی را این گونه بیان می‌کند: «ان التقارب بین المذاهب هو فی جوهره: محاوله لکسر شوکه التعصب، و جمع کلمه الامه علی اصول عقیدتها و المبادئ الاساسیه لدینها» «به تحقیق تقارب و نزدیکی بین مذاهب در ذات خود حرکت و تحولی همه جانبه است که برای از بین بردن شدت تعصب از یک سوی و ایجاد وحدت تمام امت اسلامی بر پایه ها و زیربناهای اساسی که به آنها پایبند و متدین می‌باشیم از سوی دیگر هست» (به نقل از آقا نوری، ۱۳۸۷، ۲۲).

بنابراین می‌توان گفت همگرایی ناظر بر رفتار متعهدانه متقابل مذاهب اسلامی به منظور صیانت از اصول مشترک اسلامی می‌باشد.

۱) مفاهیم

۱-۱- همگرایی در لغت و اصطلاح

واژه ای که از نظر مفهومی در مقابل واگرایی قرار دارد همگرایی است. مجموعه رفتارهای مشترک بین دو یا چند گروه، انگیزه‌ها و عواملی که به یک رفتار واحد منجر می‌شود. وضعیتی را که در آن دولتهای مستقل و حاکم بنا به میل و رضایت کامل و با آگاهی از مفهوم تعهدات و حقوق متقابل مترتب بر آن به همکاری با دیگر اعضاء می‌پردازند، همگرایی می‌نامند (محمدی، ۴۳: ۱۳۷۰).

همگرایی بیانگر شرایطی است که در آن، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاههای ارتباطی واحدهای مختلف، با حذف عوامل اختلاف برانگیز و تعصبات ملی گرایانه به نفع اهداف جمعی و منافع مشترک، به حدی به هم نزدیک می‌شوند که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می‌گردد.

نظریه همگرایی در واقع، واکنش به نارضایتی نسبت به سیستم دولت-ملت است، چرا که چنین سیستمی در درون خود، ایجاد کننده تعارضات و کشمکش‌هایی می‌باشد. وجه مشترک همه ی نظریات همگرایی این است که همه ی آنها به فرایندی فکر می‌کنند که به وسیله ی آن، وفاداری از یک مرکز به مرکز دیگر انتقال می‌یابد (همان، ۱۳۷۰، ۴۴).

روند همگرایی با توجه به ابعاد مختلف آن، مورد توجه کشورهای قرار گرفته است که دارای اشتراک‌های سیاسی-امنیتی، اقتصادی-تجاری، فرهنگی-اجتماعی و از همه مهم تر، دارای همگونی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی هستند (حاج یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۲). در مقابل این نظریه، نظریه واگرایی وجود دارد که به معنای تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سوی هدف های خاص است (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۳۷۳) اساساً واگرایی، فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و زمینه ی بحران و جنگ فراهم می‌گردد (قوام، ۱۳۷۰، ۲۲۹).

۱-۲- وحدت در لغت و اصطلاح

«اتحاد» در لغت از ریشه «وحد» به معنای یگانگی، یکتایی و یکی شدن است: «صیوره الشیئین الموجودین شیئاً واحداً» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ذیل واژه «وحدت» و «اتحاد»). «وحدت» نیز در لغت به معنای اتفاق آرا و هماهنگی رأی‌ها است (دهخدا، ۱۳۳۰، ذیل واژه «وحدت»).

«وحدت» در اصطلاح نیز به معنای یکی بودن است که از آن به واحد تعبیر می‌کنند. ولی «اتحاد» در اصطلاح آن است که دو چیز با وجوه متفاوت، جنبه‌های مشترک خود را تقویت، و از این حیث خود را هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیک کنند، که از آن به «اتحاد» تعبیر می‌کنند، مانند اتحاد دو یا چند مذهب فقهی یا کلامی. به تعبیر دقیق علمی، اتحاد یعنی تقویت «ماهه‌الاشتراک» در عین حفظ «ماهه‌الامتیاز». (فاضل مقداد، بی تا، ۲۱) باتوجه به این توضیح به نظر می‌رسد چنانچه منظور از اتحاد بین امت اسلامی این باشد، که در کل جهان اسلام یک قانون بدون وجود حق تحفظ اجرایی شود، این هدف دور از دسترس است. البته می‌توان مجموعه‌ای از مقررات را با وجود حق تحفظ تعریف کرد که شامل مشترکات احکام در بین امت اسلامی نیز هست

۱-۳- مبانی فقهی

پیش از تعریف کلی مبانی فقهی لازم است به تعریف فقه و مبانی در معنای لغوی و اصطلاحی آن بپردازیم چرا که مبانی فقهی ترکیبی از مبانی و فقه می باشد. در نگاه بدوی و مراجعه ابتدایی به کلمات و تعبیرات کثیری از اهل لغت، به نظر می‌رسد واژه فقه به معنای فهمیدن - دانستن - ادراک و علم آمده است (ابن منظور، ۵۲۲، ۱۴۰۵). ولی با تأمل و نگاهی خصوصاً به عبارات لغویانی که در مقام تعیین تفاوت‌های ظریف بین واژگان متشابه برآمده‌اند به این نتیجه می‌رسیم که «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست بلکه موشکافی و ریزینی و فهم دقیق را «فقه» گویند، و اگر بخواهیم دقیق‌تر سخن بگوییم باید به جای «فهم دقیق» از واژه «ادراک دقیق» استفاده کنیم؛ با تحقیقات بیشتر، به این نتیجه می‌رسیم که فقه در لغت، مطلق علم به یک شیء و ادراک آن نیست بلکه ادراک دقیق را «فقه» گویند. (موسوی، ۱۳۷۹، ۶۰)

به هر حال، در اصطلاح اصولیون و فقها، فقه مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند و موضع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد (محمدی، ۱۳۷۰، ۷). امروزه با توجه به معنای لغت «مبانی» تقریباً تعریفی یکسان از آن در میان محققان شهرت یافته و نسبت به اصل تعریف آن اتفاق نظر وجود دارد، گرچه در نوع مبانی اختلاف نظر است؛ به طور کلی مبانی هر علم، باورهای بنیادینی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده، اصول موضوعه آن علم شناخته می‌شوند و مسائل آن علم بر آن‌ها استوارند (سبزواری، ۱۴۱۹، ۸۷).

حال با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان گفت مقصود از مبانی فقهی آن بخش از مبانی تفسیری‌اند که موجب تمایز تفاسیر فقهی مختلف همچون تفسیر فقهی امامی، حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی از یکدیگر می‌شوند، مبانی ای همچون حجیت یا عدم حجیت قرائات سبعة در استنباط احکام شرعی از آن‌ها، جواز یا عدم جواز نسخ یا تخصیص و تقیید قرآن با خبر واحد و حجیت یا عدم حجیت قول صحابه و تابعین در تفسیر آیات شریفه به ویژه آیات فقهی و قضایی از این دست از مبانی تفسیر فقهی شمرده می‌شوند.

مبانی تفسیر آیات کلامی قرآن نیز آن بخش از مبانی‌اند که زیر ساخت‌های باورهای اعتقادی و کلامی مفسران را تشکیل داده، مفسران مذاهب مختلف، چون امامی، معتزلی، اشعری و زیدی بر اساس آن‌ها به تفسیر آیات قرآن به ویژه آیات کلامی روی می‌آورند؛ برای مثال باور به اختیار انسان از مبانی تفسیر کلامی معتزالی و باور به جبر انسان از مبانی تفسیر اشعری است که این هر دو مینا اثر فراوانی بر تفسیر آیات کلامی داشته و موجب تمایز دو مکتب و مذهب معتزالی و اشعری شده‌اند.

باید توجه داشت که مبانی تفسیر فقهی و تفسیر کلامی را می‌توان جزئی از مبانی گرایشی به شمار آورد؛ همچنین می‌توان گفت مبانی تفسیر کلامی، آن بخش از مبانی تفسیرند که محل بحث و جایگاه اثبات آن‌ها علم کلام است؛ همچون عصمت پیامبر از خطا در دریافت و ابلاغ وحی، عدم تحریف قرآن، اعجاز قرآن و قضایی از این دست و مبانی تفسیر فقهی آن بخش از مبانی‌اند که محل بحث و اثبات آن دانش اصول فقه است؛ مانند جواز یا عدم جواز نسخ قرآن یا خبر متواتر، خبر واحد و اجماع یا حجیت یا عدم حجیت قرائات سبعة برای استنباط احکام شرعی و قضایی از این دست.

۲) مبانی فقهی هم‌گرایی

۱-۲- کتاب

شاید بتوان گفت که قرآن کریم که از نگاه اصولی کتاب نام دارد مبنای فقهی نیست ولی از آن می‌توان در جهت استنباط مبانی فقهی استفاده کرد. مهم‌ترین نقش قرآن در زمینه فقه، مربوط به آیات الاحکام است. معروف است که حدود ۵۰۰ آیه از آیات قرآن، در مورد مباحث فقهی و در زمره آیات الاحکام است.

البته استنباط احکام شرعی از قرآن، در گرو شناخت کامل مفاد هر یک از آیات قرآنی مربوط به این موضوع و فضای نزول آنها و از همه مهم‌تر، اشراف بر روح تعالیم است. با این حال این امر نباید موجب بسته شدن راه تحقیق گردد؛ به ویژه با توجه به اینکه ائمه، قرآن را مهمترین محور وحدت می‌دانستند و مکتبشان برگرفته از آموزه‌های آن است. شاید بتوان اذعان داشت که نگاه کلی قرآن کریم به پدیده وحدت و همگرایی از دو جهت می‌باشد:

۱-۱-۲- تأکید بر وحدت و همدلی و نهی از تفرقه

با مقایسه ای اجمالی می‌توان مدعی شد که درآموزه‌های هیچ مکتب و دینی مانند اسلام، تا این اندازه بر وحدت و راههای به دست آمدن آن و نیز پرهیز از اختلاف و پیامدهای زشت آن تأکید نشده است. همگرایی و وحدت در فرهنگ اسلامی، از چنان جایگاهی برخوردار است که برخی ضرورت آن را با استناد به قرآن، امری فطری و لازمی فطرت دست نخورده ی انسان تلقی می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۴۲). قرآن مجید، امت اسلامی را به عنوان

«امتی واحد» می ستاید(انبیاء، ۹۲؛ مومنون، ۱۵۲) و آن را متشکل از مردمی نمونه می داند که بر گرد ایمان به خدا جمع شده اند(بقره، ۱۴۳؛ آل عمران، ۱۰؛ انبیاء، ۹۲).

قرآن علاوه بر دستور به اخوت، اتحاد و همدلی را از نعمت هایی می داند که به واسطه پذیرش اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص)، به جامعه اسلامی در عصر آن حضرت هدیه شده است.(آل عمران، ۱۰۲ و ۱۰۳؛ حجرات، ۱۰؛ مائده، ۲) همچنین قرآن جلوگیری از دشمنی و خصومت بین افراد و گروهها، جدال در امور فکری را، سرلوحه آموزه های خود قرار داده است. قرآن مجید به عنوان متقن ترین سند اسلام، اختلاف و تفرقه در جامعه را از «نغمه های شیطان» و یکی از عوامل اصلی کشتارها می داند.(بقره، ۲۰۸ و ۲۰۵؛ آل عمران، ۱۰۳؛ نساء، ۱۵۷). با پیگیری آیات و روایات زیادی که در این زمینه رسیده است، به طور کلی می توان گفت که هدف مهم قرآن تاسیس امت یکپارچه ای است که در آن، از چند دستگی جلوگیری شده و اجتماع مردم بر اساس همدلی و محبت و عدالت سامان بگیرد. این کتاب شریف، در بیش از پنجاه آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش های به دست آوردن اتحاد اشاره می کند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»(آل عمران، ۱۰۳)

« و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیتش را برای (راهنمایی) شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید.نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید.»(مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۱، ۵۷۷)

آیت الله مکارم ذیل تفسیر این آیه چنین بیان می کند یکی از نشانه های شرک، پراکندگی و تفرقه و واگرایی است؛ چرا که معبودهای مختلف منشأ روشهای متفاوت و سرچشمه جداییها هستند، بخصوص اینکه شرک همواره توأم با نوعی اظهار برتری و خودخواهی، تعصب، خودپسندی و مولود آن است. لذا هم گرایی و وحدت جز در سایه خداپرستی، عقل، تواضع و ایثار امکان پذیر نیست. بنابراین هر جا اختلاف دیدیم، باید بدانیم نوعی شرک حاکم است. این موضوع را به صورت نتیجه می توان بازگو کرد که نتیجه شرک جدایی صفوف، تضاد و سرانجام ضعف و ناتوانی است.(همو، ۱۳۷۱، ۲، ۴۲۱) و بسیاری از مفسران، محتوای اصلی این آیه را دعوت به اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه میان مسلمانان دانسته اند که مصداق هم گرایی است.(همو، همان، ۳۷۶). درخصوص شأن نزول آیه به نظر بسیاری از مفسران، مضمون این آیه نشان می دهد که این آیه در مدینه و در مورد دو قبیله اوس و خزرج نازل شده است.(امامی، ۱۳۸۷، ۱۱۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵، ۵۵۸؛ طبرسی، ۵۳۶؛ ذیل آیات). برخی نیز گزارش کرده اند که دو نفر از قبیله اوس و خزرج با افراد صاحب نام قبیله شان، فخر فروشی می کردند. فخر فروشی آنان کم کم تبدیل به نزاع شد. در این هنگام هر کدام از دو طرف، از هم قبیله های خود کمک خواستند. جدال دو نفر تبدیل به جدال دو قبیله شد. هر دو قبیله آماده جنگ شدند. این خبر به پیامبر رسید، او خود را به آن مکان رساند و خداوند این آیه را در آن مکان برحضرت محمد(ص) نازل کرد.(طبرسی، ۱۳۷۲، ۴) و در این آیه، کلمه «نعمت» تکرار شده است؛ «نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» و منظور از این نعمت، همانگونه که علامه طباطبایی فرموده است، همان نعمت الفت و محبت است؛ و باز ایشان می فرماید: این آیات هم جوامع اسلامی را مورد خطاب قرار داده و از اختلاف و تفرقه نهی نموده و هم فرد فرد مسلمانان را مد نظر داشته که بیانگر همگرایی می باشد(طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴۰۷). ایشان نیز معتقد است آیه قبل از این آیه در حکم تک تک افراد نازل شده بود و همه را به صورت شخصی و فردی بر تمسک به کتاب و سنت سفارش می کند و در این آیه مردم به این دو رکن اساسی سفارش شده اند و دستور به چنگ زدن و تمسک کردن به آن داده است (همو، ۱۳۹۳، ۴۲۰). گروهی از مفسران شیعه و اهل سنت، مقصود از حبل الله را قرآن یا اسلام دانسته اند.(فخر رازی، ۱۴۲۰، ۳۱۱) برخی از مفسران اهل سنت معنای جماعت را برای آن نقل کرده اند و مفسران شیعه نیز عترت پیامبر(ص) و ائمه را برای مفهوم «حبل الله» مطرح کرده اند. برخی نیز آن را عهد میان انسان و خداوند دانسته اند.(طبری، ۱۴۰۹، ۴، ۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۸، ۳۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۲۹) برخی معتقدند احتمالات مطرح شده برای «حبل الله» اختلافی با یکدیگر ندارند، چرا که منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله ارتباطی با خداوند است(فخر رازی، ۱۴۲۰، ۸، ۳۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳، ۲۹).

طبق حدیثی که پیامبر فرمودند «الجماعه رحمه و الفرقة عذاب: جماعت(وحدت)، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است»(نهج الفصاحه، حدیث ۲۳) می توان ادعان داشت که: اصل پرهیز از تفرقه «وَلَا تَفَرَّقُوا»: یعنی وحدت و دوری از تفرقه، یک وظیفه الهی است و تفرقه در ردیف عذابها و مجازاتهای الهی است. اهمیت وحدت تا آنجاست که به خاطر "امراهم" "وحدت" نهی مهم" از کذب یا دروغ گویی برداشته می شود و با انگیزه وحدت گرایی اگر راهی جز با تمسک به دروغ برای ایجاد وحدت نباشد دروغ مجوز پیدا می کند و همچنین در اسلام دروغ گفتن برای ایجاد وحدت، جایز و راست گفتن تفرقه انگیز، حرام است.(حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۸، ۵۷۸؛ کلینی، ۱۳۷۵، ۲۰، ۳۴۲)

درجایی دیگر اختلاف و تفرقه را روش ناپسند اقوام گذشته می داند و می فرماید:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵) «و همانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، آن هم پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید؛ و آنان عذاب عظیمی دارند.»(مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۱، ۵۸۵)

«... أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا...؛ دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید... آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد و این تفرقه جویی به خاطر انحراف از حق بود» (شوری، ۱۳ و ۱۴). (مجلسی، ۱۳۹۰، ۹، ۲۳۴)

«وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...؛ این راه مستقیم من است؛ از آن پیروی کنید و از راههای پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید» (انعام، ۱۵۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۷۰۰)

«مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ؛ از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروهها تقسیم شدند؛ و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبرسته) و خوشحال اند!» (روم، ۳۲) (همو، همان)

خداوند در قرآن، تفرقه را بر خلاف سیره نبوی می داند و می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِمَّا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته های گوناگون (ومذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری، سروکار آنان تنها با خداست. سپس خداوند ایشان را از آنچه انجام می دادند، آگاه می کند» (انعام، ۱۵۹) (همو، همان)

همانگونه که ملاحظه می شود، ظاهر این آیات، دلالت بر پرهیز شدن از اختلاف در دین و دستور به چنگ زدن به ریسمان الهی دارد و فرقه گرایی را از صفات مشرکان می داند.

۲-۱-۲- راهکارهای ایجاد وحدت و جلوگیری از تفرقه

می توان اذعان داشت که عمق تعالیم اجتماعی اسلام، چیزی جز نهی از چنگ و دشمنی و از هم پاشیدن اجتماع نبوده و اساس آن بر پایه وحدت و محبت به یکدیگر استوار شده است. بدین منظور، خداوند دو اصل محوری قرآن و سنت، را به عنوان زیربنای وحدت دینی و وسیله هدایت مسلمانان به راه مستقیم معرفی می کند.

۲-۲- سنت

دومین مبنای فقهی که می توان به عنوان دلیل همگرایی در جهان اسلام دانست روایات و سنت می باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۰، ۳۲۲؛ حسینی، ۲۰۱، ۱۴۲۷)

(سنت و حدیث در اصطلاح فقها عبارت است از قول، فعل و تقریر معصوم. سنت منحصر به قول، فعل و تقریر پیامبر است. این دیدگاه از سوی شماری از عالمان اهل سنت تصریح شده است. "شافعی" تصریح می کند که سنت به طور مطلق منحصر به سنت پیامبر است. (افغانی، ۱۴۱۴، ۱۱۳) اما از آنجا که به اعتقاد شیعیان، امامان از جانب خداوند منصوباند و در کلام پیامبر به عنوان جانشینان وی معرفی شده اند. قول، فعل و تقریر ایشان نیز به عنوان سنت معتبر و منبعی برای استنباط احکام شرعی مورد پذیرش بوده است (مظفر، ۱۳۷۰، ۶۱).

و اما احادیث و روایات در این زمینه به قدری فراوان است که حتی نقل بخشی از آنها از دایره این بحث خارج است و بنابراین تنها به نقل چند مورد از احادیث، به تناسب موضوع، که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است اکتفا می کنیم.

مرحوم شیخ حرّعاملی در وسائل الشیعه، با استناد از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله اینگونه نقل می کند:

«من سمع النداء فی المسجد فخرج من غیر علة فهو منافق الا أن یرید الرجوع الیه» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۳، ابواب احکام باب ۳۵) «کسی که در مسجد صدای اذان را بشنود و بدون علت و بی آنکه قصد مراجعت کند، از مسجد خارج شود، او منافق است!» این حدیث با مختصر تفاوت در منابع اهل سنت چنین نقل شده است:

«من أدرکه الأذان فی المسجد ثم خرج لحاجة و هو لا یرید الرجوع فهو منافق» (ابن ماجه، ۱۴۰۷، حدیث ۷۳۴) (کسی که هنگام اذان در مسجد بوده و برای کاری خارج گردد ولی بازگشت (برای شرکت در جماعت) نداشته باشد منافق است) متن این حدیث و تشدید در این حکم که خروج از مسجد پس از اعلان وقت نماز به نفاق تشبیه شده و چنین شخصی بعنوان منافق معرفی گردیده است. مضمون روایتی را که محمدبن سنان از امام رضا علیه السلام نقل نموده است، تداعی می کند که آن حضرت در پاسخ پرسش ابن سنان درباره حرام بودن فرار از جبهه، چنین فرموده.

«حرم الله تعالى الفرار من الزحف لما فيه من الوهن فی الدین و الإستخفاف بالرسول و الأئمة العادلة و ترک نصرتهم علی الأعداء...» (حلی، ۱۴۱۵، ۴۸۱)

«خداوند فرار از جنگ را بدان جهت حرام نموده است که این کار موجب تضعیف دین و استخفاف پیامبران و پیشوایان عادل و خودداری از نصرت و یاری جبهه حق در مقابل دشمنان است.» آری اگر فرار از زحف و تضعیف جبهه حق در جنگها موجب تقویت دشمن و یکی از گناهان کبیره است. فرار از صفوف نماز نیز از نظر فرهنگی عامل تضعیف حق و تقویت جبهه باطل و کمکی است بر اهداف دشمنان در کمین و همسو شدن با استکبار جهانی.

همانطور قرآن کریم به مسلمانان صدر اسلام آموخت که به حبل خدا اعتصام داشته، از تفرقه بپرهیزند. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (ال عمرا، ۱۰۳) چرا که در غیر این صورت، موجب زوال قدرت آنان و شکستشان خواهد شد. «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال، ۴۶) در راستای این پیام

راهبردی، پیامبر اکرم (ص) همواره بر یکپارچگی اسلامی تأکید داشتند و هیچ فضلی را جز در سایه ارتقای معنوی یعنی «تقوی» بر اقوام و نژادها، جایز ندانستند.

یا در جایی دیگر امیر مومنان در سخنانی خطاب به فرزندان، علاوه بر بیان نقش وحدت و تفرقه از تعالی و سقوط امت ها، یکی از مهمترین دستاوردها و آثار نبوت پیامبر(ص) را، ایجاد الفت و اتحاد دانسته است و در توصیف نقش آن جناب می فرماید: پیامبر برای انجام فرمان خدا قیام کرد و رسالت پروردگارش را ابلاغ نمود. خداوند به وسیله او، گسیختگی ها را التیام داد، فاصله ها را پیوستگی بخشید و بین مردم یگانگی برقرار ساخت. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱)

از زبان امام سجاده(ع) نیز در دعای «مکارم الاخلاق» آمده است: «واکمل ذالک لی بدوام الطاعه ولزوم الجماعه و رفض اهل البدع.....» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰۰) «و فضائل را (که برش مردم) برای من با اطاعت پیوسته و همراهی دائمی با جماعت مسلمانان و ترک بدعت گذاران کامل گردان، با دوام طاعت و پایبندی به جماعت و رها ساختن بدعت گذاران».

۲-۳- اجماع

یکی دیگر از ادله ای که می توان به عنوان دلیل و مبنای فقهی همگرایی در جهان اسلام مطرح کرد اجماع می باشد در خصوص هم گرایی مسلمانان جهان و جایگاه وحدت و تشکل امت واحده اسلامی میان مسلمانان جهان همواره تمامی ائمه اطهار (ع)، علما، مراجع، بزرگان و اندیشمندان گذشته و حال تأکید داشته و دارند، چرا که آنچه باید بر روی آن تکیه کرد موضوع وحدت امت اسلامی است. از این رو باید اقدام عملی کرد؛ چرا که امروز دنیای اسلام محتاج وحدت و از بین بردن عوامل تفرقه در سرتاسر جهان است. وحدت و همگرایی مسلمانان جهان اسلام اعم از شیعه و سنی می تواند بسیاری از مشکلات و گرفتاری های امروز مسلمان را حل کرده و مانع نفوذ دشمنان اسلام در میان امت اسلامی شود. رساله های عملیه مسلمانان شاهدان عینی هستند بر اینکه علما و فقهای شیعه در مسائل مختلف مانند؛ طهارت و نجاست، احترام مال و جان، ارث، ازدواج، دیه و قصاص و سایر احکام، میان مسلمانان فرقی قائل نیستند. (مظفر، ۱۳۶۹، ۲۴) البته مدرک این فتواها، احادیثی است که در کتب فقهی به آن تمسک شده است.

از دیدگاه علمای شیعه برای ایجاد و حفظ اتحاد میان مسلمانان، در شرایط خاص، شیعیان می توانند برخی از عباداتشان را مانند اهل سنت به جا آورند. (مظفر و حامد حنفی، ۱۳۸۰، ۱۱۲) بر اساس احادیث و فتاوی فقها و علمای شیعه در زندگی و تقابل دوستانه و متقابل، ملت و دولت اسلامی ایران به اهل سنت با دیده احترام می نگرند و با آنان زندگی مسالمت آمیز دارند. استان های سیستان و بلوچستان، کردستان، جنوب خراسان و گلستان در ایران، بهترین شاهد بر این مطلب است. آزادی و احترامی که اهل سنت در ایران دارند، هیچ یک از کشورهای اسلامی، که اکثریت مردم و حکومت غیر شیعی است، برای شیعیان قائل نیستند. دلیل این دوگانگی را باید در عملکرد علمای شیعه و اهل سنت جستجو کرد. اما تشیع و تسنن دو مذهب و گرایش فقهی بوده که اشتراکات و افتراقاتی دارند، اما اختلافات مذاهب نباید موجب خلل در همبستگی مسلمانان گردد. به همین دلیل آنان که از اتحاد و همبستگی مسلمانان در هراسند، می کوشند با تحریف و اتهام به رقبا، موارد اختلاف را بزرگ جلوه دهند و به اهداف شوم خود برسند.

۲-۴- دلیل عقلی

سومین منبعی که در استنباط احکام از آن یاد می شود دلیل عقل است. اگر اجماع که آن را بر مبنای شیعه از دلایل "تابع" سنت و نه یک دلیل مستقل تلقی کند، بنابراین تعبیر به سومین دلیل از عقل، صحیح بوده. چراکه سنت دارای دو صنف است؛ یک صنف آن سنت صریح و روایات و به اصطلاح نقل قول مستقیم از معصوم بوده، و صنف دیگر آن از فتاوی فقهای نزدیک به زمان معصوم، و "اجماع" آنان بر حکمی استفاده می شود. در بحث دلیل عقل، با اینکه این دلیل سابقه دیرینه در استنباط احکام داشته ولی در تعریف آن اختلاف زیادی است؛ گروهی آن را تنها در حد دلیلی در راستای پی بردن به منابع نقلی تنزل داده اند. مرحوم مظفر در گزارشی این دلیل را به شیخ مفید نسبت می دهد که از نظر او عقل نخستین راه برای رسیدن به کتاب و سنت است. (مظفر، ۱۳۷۰، ۳ و ۴، ۱۲۲) و شیخ طوسی به این اندازه نیز از دلیل عقل نام نبرده، ولی در ضمن برخی مباحث خود به قبح عقلی ظلم و قتل اشاره می کند و همچنین عقل را تعیین کننده ادله می داند. (طوسی، ۱۴۱۷، ۱۱۶) ابن ادریس حلی اولین فقیهی دانسته شده است که از عقل در کنار کتاب و سنت و اجماع به عنوان راه های رسیدن به "حق" در مسائل شرعی یاد می کند. (حلی، ۱۴۱۴، ۱، ۴۶) و البته تصریح دارد در جایی که از کتاب و سنت و اجماع خبری به دست نیاوردیم نوبت استفاده از عقل است. تطور و تکامل نقش عقل در استنباط، طول تاریخ فقه را بستر خود قرار داده و از محقق قمی به بعد بین معاصرین از اصولیان دلیل عقل، امر به طور کامل پذیرفته شده ای می باشد. البته گروهی عقل را در ضمن مباحث قطع مطرح نموده اند که اینان به پیروی از شیخ انصاری حجیت قطع حاصل از حکم عقل را حکم شرعی دانسته، و گروه دیگری به طور مستقل عقل را در شمارش منابع فقه (کتاب، سنت و اجماع) معرفی کرده اند. (شهید صدر، ۱۴۰۵، ۴، ۱۲۰)

بهترین تعریف برای دلیل عقل، به نظر می رسد که دلیل مرحوم مظفر می باشد که "هر قضیه عقلی که از طریق آن به علم قطعی به حکم شرعی دست یابیم دلیل عقلی می باشد" (مظفر، ۱۳۷۰، ۳ و ۴، ۱۲۵) با ضابطه تعریف فوق می توان چنین گفت وحدت و انسجام در جامعه و همگرایی بین مسلمانان حسن داشته و امری خردورزانه (معقول) می باشد. امر خردورزانه و معقول باید در جامعه محقق شود. همگرایی بین مسلمانان امری لازم بوده و باید محقق گردد.

نکته مهم؛ اینکه گاهی حتی در آثار علمی دقت لازم بین مبحث دلیل عقل، و اصطلاحات مشابه آن، بنای عقلایی و یا سیره عقلا نشده و بدین لحاظ این مسائل مخلوط می گردد. بحث سیره عقلا یا بنای عقلی این ممیزه را دارد که در آن حتی سیره مورد تایید یا همراه "عدم ردع" اشاره که با امضای او همراه باشد در استنباط احکام، جایگاهش احکام امضایی بوده؛ و نیز مصطلح (بنای عقلا و یا سیره آنان) نباید با اصطلاح دیگری چون سیره شرعی و نیز سیره متشرعیه خلط گردد. چراکه در بحث بنای عقلایی و یا سیره خردورزانه تقید به مرام و آیین خاصی مطرح نیست. در صورتیکه در بحث سیره شرعیه در واقع سنت مستمری بحث گشته، و یا در سیره متشرعیه که پیروان شرع و دین نظرشان مطرح می گردد و این مباحث هر چند می توانند چنانکه در ذیل اشاره می شود احکام شرعی را تبیین کنند ولی در ردیف دلایلی همچون نقش عرف، و یا مؤیداتی در بحث سنت و استمرار احکام و مؤیداتی بر امضای پاره ایی از احکام هستند و از دلیل عقل به طور خاص خارج می باشند.

توسط سیره عقلاء برخی از قواعد استنباط حکم شرعی کشف می شود و ملاک و معیار احکام شرعی نیز به کمک عقل به دست می آید که متشکل از دو مقدمه می باشد:

۱) بیان سیره در جوامع و نظام های گوناگون و فرهنگ های مختلف در تمامی زمان ها و انسان ها اتحاد و همگرایی و دوری از واگرایی و تفرقه است.
 ۲) از آنجا که شارع از عقلاء بلکه رئیس ایشان است و همواره در قرآن و روایات تاکید فراوان بر هم گرایی داشته و ردعی از او نسبت به این سیره ثابت نشده و مخالفتی از جانب ائمه علیه السلام در روایات نسبت به این سیره دیده نشده است، معلوم می شود با این سیره موافق است.

در هر عصر و هر کشور و در همه امت ها و مذاهب وحدت و هم گرایی سرلوحه پیروزی آنان در مقابل هجوم دشمنان بوده است و از این رو از ابتدا تا کنون در نزد اسلام خواهان هم گرایی واقعی امری مسلم و تردید ناپذیر بوده است. انسجام و هم گرایی یکی از عوامل اصلی اقتدار جهان اسلام است. در سایه وحدت و برادری اسلامی است، که عزت و عظمت جامعه اسلامی می تواند جلوه کند و مشکلات فراروی مسلمانان را حل کند. بدون شک رسیدن به وحدت اسلامی نیازمند عبور از موانع سخت داخلی و خارجی است که با ایجاد بسترهای فکری، فرهنگی و سیاسی در فضای کشورهای مسلمان می توان به این مهم دست یافت. همگرایی تنها به حوزه جهان اسلام مرتبط نمی شود بلکه بشر امروز بیش از هر چیزی نیازمند همگرایی در مواجهه با مسائل خود است و توصیه های قرآن و روایات بیانگر اهمیت وحدت در حیات بشر در همه دوران هاست.

با نگاهی دقیق به روایات اهل بیت (ع) در می یابیم که موضوع هم گرایی مسلمین به طور مستقل مورد توجه و عنایت ائمه (ع) قرار داشته است به گونه ای که آن بزرگواران ضمن تأکیدهای فراوان بر ضرورت حفظ اتحاد مسلمین، آن را از وظایف اصلی شیعیان در بر خورد با مخالفان می دانسته اند. (مسائلی، ۱۳۹۰، ۲۸)

در همین راستا، می توان تأکیدهای فراوان ائمه اطهار (ع)، بر حضور در اجتماعات و خصوصاً نمازگزاردن با آنها را دلیلی دیگر بر این مدعا دانست که با نظر به آنها می توان به عمق توجه ایشان به مسأله وحدت اسلامی پی برد.

بدین گونه اهل بیت (ع) هم در رفتار اجتماعی و روزمره و هم در عرصه های علمی، مدارا و نرمش با مخالفان مذهب را به شکل کامل متجلی می کردند به گونه ای که حتی فقهای اهل سنت نیز همیشه ایشان را منبع راستین علم و فضیلت می دانستند؛ در حالی که خود به محورهای مورد اختلاف عقیدتی با ایشان آگاه بودند. مسلماً امامت مذهب خاصی، مثل مذهب شیعه امامیه را داشتن و در عین حال محبوب و مراد پیشوایان مذاهب دیگر بودن، مدارای عمیق و وسیعی را در رفتار عملی می طلبد که باعث جذب و جلب نظر مخالفان شود؛ زیرا کوچک ترین برخورد تند و بد رفتاری باعث تنفر و دوری مخالفان می شود. ملاقات گسترده و طولانی بزرگان معتزله مثل: عمرو بن عبید، واصل بن عطاء و حفص بن سالم با امام صادق (ع) از یک سو و نیز بزرگانی چون سفیان ثوری، مالک بن انس، ابو حنیفه و ... از سوی دیگر، همگی بیان کننده جلوه هایی بارز از وحدت در رفتار آن امام همام (ع) است. (حسینی، ۱۳۸۳، ۵۰۶) مدارا و برخورد عالمانه امام صادق (ع) و سایر ائمه (ع)، با پیشوایان مذاهب اهل سنت، به حدی بود که حتی مخالفت شدید آنها با روش های اجتهادی برخی از این پیشوایان، مانع ملاقات های مکررشان با ائمه (ع) نمی شد و این خود نشان می دهد که چگونه شخصیتی بزرگ مانند امام صادق (ع) رفتاری نیک و پسندیده با پیشوایانی مانند ابوحنیفه داشتند که حتی مخالفت قاطع با روش وی باعث نمی شد که او از امام صادق (ع) و استفاده ایشان دست بردارد.

نتیجه گیری

با استفاده از مطالعات به نسبت طولانی که بعد از پیروزی انقلاب در مساله وحدت انجام شده و با توجه به آسیب پذیری شدیدی که در کشورمان از این ناحیه بود؛ و آن اینکه در ایران علاوه بر اکثریت شیعه، اقلیت بیش از دو میلیون نفر از فرقه های اهل سنت در کردستان، سیستان و بلوچستان و ترکمن صحرا و شهرهایی از استان های خراسان و حتی اخیرا خوزستان داریم، از اوان انقلاب توجه ویژه ای به این مساله یعنی همگرایی شده است که اگر حاصل نشود به شدت به واگرایی و حتی متاسفانه به مقدمات تجزیه می انجامد. تحقیق به این نتیجه رسیده است که همگرایی نه یک تئوری و نه یک آرزو و میل ظاهری بوده بلکه امری است که مضاف بر تمام تلاش های خردورزانه و مصلحت جویانه و یا در بعد معرفتی از دیدگاه کلامی (اعتقادی) و نیز فلسفی مورد توجه قرار گرفته است و می توان با توجه به رشته تحصیلی صاحب مقاله، از مبانی عمیق فقهی و استدلالات کامل آن برخوردار باشد. در مقاله نه تنها باروشهای مرسوم که تنها به آیات و یا در صورت در مقام بیان نبودن با اجمال آیات به سنت مراجعه می شد. از آنجا که مساله، مساله مهم و تنها دارای یک جنبه فقهی صرف نبود بنابراین با استشهاد از سیره مستمره معصومان صلوان الله علیهم و نیز تاریخ، ضرورت اهمیت دادن و پژوهش هر چه بیشتر در این مساله را برای کاربردی کردن آن اثبات نمودیم و امید است که این گام راهگشای کارهای اساسی در این مسیر باشد.

پیشنهادات

از آنجا که در برخی از استان های کشور از جمله کردستان، سیستان و بلوچستان و کرگان و شهرهایی از خراسان و خوزستان اهل سنت زندگی می کنند، همان گونه که آیت الله بروجردی پیشنهاد تاسیس مجمعی جهت همگرایی بین مذاهب اسلامی به نام «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» را دادند، و هم اکنون نیز در کشورمان دو مرکز ادیان و مذاهب وجود دارد؛ لذا پیشنهاد می شود زیر مجموعه این دو مرکز، مراکز و یا مدارسی در کل کشور و در شهرهای مختلف کشور دایر گردد و یا حتی دانشگاه ها دارای دبیرخانه های دائمی در همین راستا باشند، تا مسئله همگرایی را در ابعاد فقهی و کلامی مطرح نموده وبا دقت ژرف در روش امامان جنبه های مختلف آن را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دهند. سس و با مطالعه در مورد شبهاتی که برخی از افراد به اصل اسلام و قرآن و نبوت دارند بتوانند یک نظر واحد و مشترک در مورد این شبهات بیان کنند که از طریق آن بتوان یک صدا و یک مفهوم واحد از اسلام به کل جهانیان عرضه داشت.

منابع و مواخذ

قرآن

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

۱. ابوالوفاء- افغانی- تحقیق- دارالکتب العلمیه- ۱۴۱۴- بیروت.
۲. ابن ماجه- محمد بن یزید- السنن- دارالکتب الطیبه- ۱۴۰۷- بیروت.
۳. ابن منظور- محمد بن مکرم- لسان العرب- نشر ادب حوزه- ۱۴۰۵- قم.
۴. الشیبانی- احمد بن حنبل- اصول السنه- دارالمنار- ۱۴۱۱- السعودیه.
۵. امامی- محمدجعفر- شان نزول آیات قرآن (برگرفته از تفسیر نمونه)- مدرسه الامام علی ابن ابی طالب- ۱۳۸۷- قم
۶. آقا نوری- علی- امامان شیعه و وحدت اسلامی- دانشگاه ادیان و مذاهب- ۱۳۷۸- قم
۷. پاینده- ابوالقاسم- به اهتمام غلامحسین مجیدی خوانساری- نهج الفضاحه- انصاریان- ۱۳۸۳- قم.
۸. تهوری- مسلم- منادیان تقریب- بی جا- بی نا- بی تا
۹. حاج یوسفی- امیرمحمد؛ شهریار- فاطمه؛ الهامی- امیرحسین- نخبگان و همگرایی منطقه ای در سازمان همکاری اقتصادی (اکو)- فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی- ۱۳۹۱- شماره ۴۱.
۱۰. حافظ نیا- محمدرضا- اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک- بابلی- ۱۳۸۵- مشهد.
۱۱. حرّ عاملی- محمد بن حسین- وسایل الشیعه الی تحصیلی مسائل الشریعه- تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی- دار احیاء التراث- ۱۴۰۳- بیروت.
۱۲. حسینی- شهاب الدین- الوحده الاسلامیه فی الاحادیث المشترکه بین السنه و الشیعه. به اهتمام محمدعلی تسخیری. المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب- ۱۴۲۷
۱۳. حسینی- علی- مدارای بین مذاهب- بوستان کتاب- ۱۳۸۳- قم
۱۴. حلی- ابن ادریس- السرائر- جامعه مدرسین- ۱۴۱۴- قم.

۱۵. حلی (فاضل) - مقداد بن عبد الله سیوری - کنز العرفان فی فقه القرآن - انتشارات مرتضوی - ۱۴۲۵ - قم.
۱۶. حلی (علامه) - یحیی بن سعید - شرایع الاسلام - مؤسسه المعارف الاسلامیه - ۱۴۱۵.
۱۷. دهخدا - علی اکبر - لغت نامه - دانشگاه تهران - ۱۳۳۰ - تهران.
۱۸. سبزواری نجفی - محمد بن حبیب الله - ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن - دارالتعارف للمطبوعات - ۱۴۱۹ - بیروت.
۱۹. شرف الدین - سید عبدالحسین - الفصول المهمه - المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیه - ۱۴۲۳ - تهران.
۲۰. صدر - محمدباقر - بحوث فی الاصول به تقریر سید محمد هاشمی - مجمع العلمی للشهید صدر - ۱۴۰۵ - قم.
۲۱. طباطبایی - کاظم - وفاق اجتماعی در سخن معصومان (ع) و سیره امام علی (ع) - مترجم علی نصیری - طبع و نشر - ۱۳۸۰.
۲۲. طباطبایی - محمدحسین - المیزان فی تفسیر القرآن - دار احیاء التراث العربی - ۱۳۹۰ - بیروت.
۲۳. طباطبایی - محمدحسین - المیزان فی تفسیر القرآن - مؤسسه الاعلمی للمطبوعات - ۱۳۹۳ - بیروت.
۲۴. طبرسی - ابوعلی فضل بن حسن - مجمع البیان فی تفسیر القرآن - ۵۳۶.
۲۵. طبرسی - محمد بن علی ابی منظور - الاحتجاج - تحقیق ابراهیم بهادری - انتشارات اسوه - ۱۳۷۲ - قم.
۲۶. طبری - ابوجعفر محمد بن جریر - تاریخ الامم و الملوک - مؤسسه الاعلمی للمطبوعات - ۱۴۰۹ - بیروت.
۲۷. طوسی - محمد بن حسن - عده الاصول - تحقیق و نشر محمد رضا الانصاری القمی - ۱۴۱۷ - قم.
۲۸. فاضل مقداد - ابوالفتح بن مخدوم - الباب الحادی عشر مع شرحه النافع یوم الحشر و مفتاح الباب - مؤسسه مطالعات اسلامی - بی تا.
۲۹. فخرالدین رازی - ابوعبدالله محمد بن عمر - مفاتیح الغیب - دار احیاء التراث العربی - ۱۴۲۰ - بیروت.
۳۰. قمی - محمد تقی - سرگذشت تقریب - مترجم سید هادی خسروشاهی - مجمع جهانی تقریب مذاهب - ۱۳۹۰.
۳۱. قوام عبدالعلی - اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل - قومنس - ۱۳۷۰ - تهران.
۳۲. کلینی - محمد بن یعقوب - اصول کافی - مترجم محمد باقر کمره ای - اسوه - ۱۳۷۵ - قم.
۳۳. مسائل - مهدی - پیشوایان شیعه پیشگامان وحدت - سپیده باوران - ۱۳۹۰.
۳۴. مجلسی - محمدباقر - بحار الانوار - انتشارات الاسلامیه - ۱۳۱۵.
۳۵. مجلسی - محمدباقر - تفسیر بحار الانوار - محمود ناصری - ۱۳۹۰.
۳۶. محمدی - یدالله - همگرایی و سیر تطور و تکامل آن (۱) و (۲) - نشریه مصباح - ۱۳۷۰.
۳۷. مظفر - محمدرضا - اصول فقه - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - ۱۳۷۰ - قم.
۳۸. مظفر - محمدرضا - اصول فقه - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - ۱۳۷۴ - ۱۳۷۱ - قم.
۳۹. مظفر - محمدرضا - عقاید و تعالیم شیعه - مترجم محمد مجتهدی شبستری - محمدی - ۱۳۶۹.
۴۰. مظفر - محمدرضا - حنفی حامد - داود - ویژگی های فکری شیعه: عقاید الامامیه - انصاریان - ۱۳۸۰.
۴۱. مکارم شیرازی - ناصر - تفسیر نمونه - دارالکتب العلمیه - ۱۳۷۰ - تهران.
۴۲. مکارم شیرازی - ناصر - تفسیر نمونه - دارالکتب العلمیه - ۱۳۷۱ - تهران.
۴۳. مکارم شیرازی - ناصر - ترجمه القرآن الکریم - دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - ۱۳۸۰.
۴۴. موسوی - رضا - آشنایی با مبادی فقه یا حقوق اسلامی - ۱۳۷۹ - مشهد.